

رابطه سببیت و ضمان تعدی یا تفریط

پرویز عامری*

چکیده

در میان اسباب مسئولیت مدنی و ضمان قهری، گاه به تعدی یا تفریط به عنوان یک سبب مستقل مسئولیت اشاره می‌شود. ماده ۴۹۳ قانون مدنی در باب اجاره و همچنین ماده ۱۲۳۸ قانون مدنی در خصوص مسئولیت قیم چنین القا می‌کنند که مسئولیت مستأجر، قیم و امثال آنها در حال تعدی یا تفریط مطلق بوده و محتاج احراز رابطه سببیت نیست. علی‌رغم اینکه بسیاری از فقها و حقوقدانان به این دیدگاه تمایل دارند، مقاله حاضر چنین برداشتی را از مواد قانونی منطبق با اصول حقوقی و عدالت ندانسته و معتقد است مواد مزبور را با مراعات اصول حقوقی باید تفسیر کرد. نظریات برخی فقهای امامیه نیز احراز رابطه سببیت را لازم می‌داند. در نتیجه، مسئول دانستن اشخاصی که نسبت به مال غیر مرتکب تعدی یا تفریط می‌شوند جز با احراز رابطه سببیت، امکان پذیر نیست و این مورد را نباید از استثنائات رابطه سببیت به شمار آورد.

واژه‌های کلیدی: تعدی و تفریط، رابطه سببیت، ضمان قهری، مسئولیت مدنی.

۱. مقدمه

گاهی در میان اسباب مسئولیت مدنی و ضمان قهری، به تعدی یا تفریط به عنوان یک سبب مستقل مسئولیت اشاره می‌شود. اینکه تعدی یا تفریط سبب مستقلی در عرض اتلاف یا تسبیب، برای ضمان به شمار رود، به سختی قابل پذیرش است. این مقاله مستقیماً درصدد پرداختن به این موضوع نیست. سؤال اصلی این است که آیا مسئولیت ناشی از تعدی یا تفریط، نیاز به اثبات رابطه ندارد و در نتیجه از استثنائات رابطه سببیت به شمار می‌رود، یا اثبات مسئولیت با وجود تعدی یا تفریط مستلزم اثبات رابطه سببیت است.

ماده ۴۹۳ قانون مدنی ایران مقرر داشته: « مستأجر نسبت به عین مستأجره ضامن نیست به این معنی که اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود ولی اگر مستأجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است اگرچه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.» همین حکم در مواد ۶۱۴ و ۶۴۰ قانون مدنی درباره مستودع و مستعیر و در مواد دیگر نظیر ماده ۶۳۱ قانون مدنی، در خصوص هر آن کس که قانون او را نسبت به مال غیر امین دانسته، جاری است، هرچند عبارت ذیل ماده ۴۹۳ در این مواد تکرار نشده است. همچنین ماده ۱۲۳۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد.»

آیا مواد ۴۹۳ و ۱۲۳۸ و دیگر مواد مشابه قانون مدنی در مقام بیان و تأسیس یک نوع مسئولیت عینی، بدون نیاز به اثبات رابطه سببیت است؛ بدین معنا که مستأجر یا قیم در حال تعدی یا تفریط، ضامن هرگونه خسارتی است که در زمان تعدی یا تفریط به عین مستأجره یا اموال مولی علیه وارد آید، حتی اگر خسارت ناشی از اسباب قهری یا فعل شخص ثالث باشد؟ آنچه در میان فقیهان و حقوقدانان شهرت یافته و از نوشته‌های این باب بر می‌آید، این است که پس از تحقق تعدی یا تفریط، ید امین و مستأجر تبدیل به ید ضمانی و مشمول قاعده علی‌الید شده و از این موارد به عنوان استثنائات رابطه سببیت و ملحق به غصب یاد می‌کنند و در نتیجه اثبات و احراز رابطه سببیت را برای مسئول دانستن مستأجر یا قیم و نظیر آن ضروری نمی‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۷۳ و

امامی، ۱۳۶۳: ۳۶ و حائری شاه باغ، ۱۳۷۶: ۵۵۳)

از آنجا که تعبیر قانون‌گذار در ماده ۴۹۳ قانون مدنی در باب اجاره به گونه‌ای است که چنین برداشتی را القا می‌کند، تحلیل و بررسی مورد نظر این مقاله بر محور تصرفات مستأجر استوار شده است. با این حال باید توجه داشت که نتایج حاصل، صرفاً به مبحث اجاره محدود نشده و دربردارنده یک حکم کلی است که به دیگر مباحث مشابه تصرف مأذون و قانونی در مال غیر از جمله قیوموت و حق انتفاع و غیره نیز سرایت می‌کند.

۲. وضعیت تصرفات مستأجر در عین مستأجره

ید مستأجر نسبت به عین مستأجره ید امانی است و مستأجر ضامن آن نیست مگر اینکه تعدی یا تفریط کرده باشد. برخی از فقیهان مانند محقق حلی (حلی محقق، ۱۴۰۳: ۱۷۹) و صاحب مفتاح الکرامه (الحسینی العاملی، ۱۴۱۲: ۷۸۵) و علامه حلی (محقق اردبیلی، ۱۴۱۲: ۶۸) و شهید اول در متن لمعه (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۳۳۱)، با عبارات مشابهی به این فرع فقهی پرداخته‌اند.

مواد مختلف قانون مدنی از جمله مواد ۴۹۰ و ۴۹۳ و ۶۳۱ و... نیز مقرر می‌دارند که عین مستأجره در دست مستأجر امانت است و مستأجر می‌تواند در جهت استیفای منافعی که به موجب عقد اجاره مالک شده است، در عین مستأجره تصرف کند. معذک مستأجر نباید نسبت به موضوع اجاره مرتکب تعدی یا تفریط شود. با ارتکاب تعدی یا تفریط ید امانی تبدیل به ید ضمانی می‌شود (الحسینی العاملی، ۱۴۱۲: ۷۸۵ و کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۹۹ و ۲۰۰). اینکه با زایل شدن وصف امانت مستأجر و تبدیل ید امانی او به ید ضمانی، تصرفاتش از جمله تصرفات مأذون محسوب می‌گردد یا غیرمأذون، موضوعی قابل بحث است. برخی از فقیهان متقدم پس از اینکه دو نظریه مزبور را مطرح می‌کنند، بر این اعتقادند که هرگاه عقدی که به موجب آن مال در دست امین قرار گرفته، عقد ودیعه باشد تنها اثر آن ائتمان است و با تعدی یا تفریط مستودع، اصل اذن هم از بین می‌رود. اما در عقود مثل وکالت و اجاره که ائتمان یک اثر فرعی برای آن بشمار می‌رود و انتظار طرفین از عقد، صرف امانت نیست، با تعدی یا تفریط اذن در تصرف باقی می‌ماند

و مستأجر یا وکیل کماکان مجاز در تصرف بر طبق نظر موجر یا موکل است. (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۹) قرینه بر این مطلب حکم ماده ۴۸۷ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی یا تفریط نماید، موجر حق فسخ اجاره را دارد.» همین حکم در بند ۸ ماده ۱۴ قانون روابط و موجر مصوب ۱۳۵۶ نیز وجود دارد. برخی از نویسندگان حقوقی نوشته‌اند: «بسیاری بر این عقیده‌اند که پشیمانی امین مسئولیت وی را از بین نمی‌برد و ید او را امانی نمی‌کند، با این همه پذیرفتن این نظر دشوار است زیرا تعدی و تفریط مستأجر عقد اجاره را بر هم نمی‌زند و اذن مالک را از بین نمی‌برد. مستأجر تا زمانی که عقد فسخ نشده، همچنان امین مالک است و تنها در صورت تقصیر ضامن تلف مورد اجاره بشمار می‌آید. به حکم قانون در زمان تقصیر با مستأجر نیز مانند غاصب رفتار می‌شود ولی این حکم استثنایی را که مانع نفوذ اذن مالک است، باید محدود به موردی ساخت که تقصیر ادامه دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۱۳) این مقررات بر این معنا دلالت دارد که پس از وقوع تعدی یا تفریط، رابطه استیجاری کماکان برقرار است و تنها در صورت فسخ، این رابطه برطرف می‌شود و تصرفات مستأجر به موجب عقد اجاره مجاز است. این وضعیت نمی‌تواند مشمول قاعده علی‌الید باشد و نمی‌توان مستأجر را بعد از تعدی یا تفریط تابع احکام غاصب دانست. در نتیجه باید قوی را ترجیح داد که اذن در تصرف بعد از تعدی یا تفریط را باقی می‌داند، معذک امتیاز امین که عهده‌دار بار اثبات نبود، از دست رفته و باید ثابت کند دست از تعدی یا تفریط برداشته است، زیرا با اثبات تعدی یا تفریط، در مقام تردید، ادامه آن استصحاب می‌شود و قول مستأجر خلاف اصل و نیازمند اثبات است.

۳. عنصر شناسی تعدی و تفریط

تعدی یا تفریط صرفاً در مواقعی امکان تحقق دارد که مال شخص به اذن مالک یا قانون در اختیار دیگری قرار گیرد؛ به عبارت دیگر وقتی شخصی نسبت به مال غیر غاصب یا در حکم غاصب باشد، معنی ندارد که گفته شود مرتکب تعدی یا تفریط شده است، چرا که تعدی یا تفریط مستلزم ترسیم یک محدوده قانونی یا قراردادی برای میزان

تصرفات در مال غیر است و سپس تجاوز از این محدوده، مصداق تعدی یا تفریط پیدا می‌کند؛ این در حالی است که در مورد غصب و آنچه در حکم غصب است، غاصب اساساً مأذون نیست تا تجاوز از حدود قانون یا قرارداد و کوتاهی نسبت به آن تحقق یابد. به همین دلیل، در مورد غصب و در حکم غصب مستند ضمان، قاعده علی‌الید است. لذا اگر کسی از راه نامشروع و به صورت عدوانی بر مال دیگری استیلا پیدا کند به حکم قانون، ضامن برگرداندن آن مال به صاحبش است و اگر آن مال به هر دلیل در نزد او تلف یا ناقص شود، ضامن است. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۵۴).

بنابراین تعدی یا تفریط را می‌توان، با در نظر گرفتن تعریف قانون مدنی در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲، عبارت از فعل یا ترک فعلی دانست که هرمتصرف مجاز مال غیر، نظیر مستأجر نسبت به عین مستأجره یا قیم نسبت به اموال مولی علیه یا صاحب حق انتفاع نسبت مال موضوع عمری، رقبی یا سکنی، به موجب قانون، قرارداد یا عرف نمی‌بایست انجام دهد ولی مرتکب شده است. به همین دلیل است که تصرفات مستأجر پس از انقضای مدت اجاره یا دیگر متصرفانی را که قانون مدنی آن‌ها را امین دانسته، پس از رفع عنوان تصرف و مطالبه مالک و امتناع متصرف از استرداد مال، دیگر نمی‌توان با عنوان تعدی یا تفریط توصیف کرد. اینکه گاه در لسان روایات باب اجاره یا غصب از واژه «تعدی» استفاده شده و در آرای فقها احکام غصب بر آن حمل شده است، از اشتراک لفظی بین تعدی، به معنی گذر و تجاوز از نقطه مکانی مورد اجاره، با واژه تعدی در مقابل تفریط ناشی می‌شود؛ در این مثال‌ها اجاره بر اساس مسافت منعقد شده و تجاوز از میزان مسافت مورد نظر خارج از عقد اجاره و مشمول غصب خواهد بود، (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۹۳ و حلی علامه، ۱۴۲۰: ۱۰۵ و حلی جمال الدین ۱۴۰۷: ۴۸۳ و حلی علامه ۱۴۱۳: ۱۷۷).

مانند جایی که مستأجر حیوان یا اتومبیلی را برای رفتن به مقصد معلومی اجاره نموده است ولی آن مرکوب را به مقصد دورتری برده باشد. در این گونه موارد اصطلاح «تعدی» به معنای رفتن به مقصد دورتر از مکان مقرر، به کار برده شده و تصرفات این شخص خارج از موضوع اجاره و در نتیجه غیر مأذون و تابع احکام غصب دانسته شده است؛ اما اگر عنوان استیجار برقرار باشد و مستأجر در این حالت مرتکب تعدی یا تفریط گردد، کماکان مأذون در تصرف تلقی می‌شود، هرچند دیگر نمی‌توان وی را امین دانست

و او نیز نمی‌تواند از وصف امانت برای رهایی از مسئولیت نسبت به خسارات وارده در نتیجه استیفای منفعت، بهره‌بردار. به علاوه وقتی شخص متصرف وصف امین را دارا باشد، برای مبری بودن از مسئولیت نسبت به خسارات وارد به مال غیر، نیاز به اقامه دلیل ندارد، بلکه این زیان‌دیده است که باید دلیل بیاورد؛ در حالی که با زوال وصف امانت این امتیاز از امین سلب می‌گردد؛ اما این بدان معنا نیست که گفته شود رابطه استیجاری هم از بین رفته است؛ وقتی مستأجری از حدود تصرفات مأذون خارج می‌شود و تصرفی می‌کند که از سوی مالک مجاز نبوده رابطه اجاره قطع نمی‌شود زیرا موجر به اصل تصرف مستأجر رضایت دارد ولی از نوع خاصی از تصرف که ممنوع بوده رضایت ندارد (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۹۷)، کما اینکه ماده ۴۸۷ قانون مدنی و بند ۸ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ به موجر حق می‌دهند در صورت تعدی یا تفریط مستأجر، عقد اجاره را فسخ نماید که خود دلالت دارد بر اینکه به صرف تعدی یا تفریط رابطه استیجاری و در نتیجه اذن در تصرف منتفی نگشته است؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مستأجر در حال تفریط یا تعدی، همچنان مأذون در تصرف است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۹۴) و قطعاً عنوان غاصب بر وی صادق نیست، لذا نمی‌توان احکام غصب را درباره‌اش جاری ساخت. این موضوع در باب وکالت نیز در بین فقها محل بحث بوده است. مرحوم علامه حلی در مختلف الشیعه از ابن جنید نقل می‌کند که چنانچه وکیل نسبت به امر وکالت تعدی یا تفریط نماید به نحوی که موجب ایراد خسارت شود، باعث بطلان وکالت است، اما خودش معتقد است با تعدی یا تفریط وکیل، وکالت باطل نمی‌شود، هرچند موجب ضمان باشد. (حلی علامه، ۱۴۱۳: ۳۷ و حلی علامه، ۱۴۱۴: ۱۳۶) و از آنجا که احکام غصب بر وکیل در حالت تعدی یا تفریط جاری نیست، مسئولیت مدنی وی تنها با احراز رابطه سببیت قابل اثبات است؛ بنابراین، مادام که رابطه حقوقی نظیر اجاره یا وکالت یا قیمومت برقرار است، نمی‌توان گفت تصرف و استیلا بر مال غیر بدون مجوز بوده و در حکم غصب است. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۲۷۵)

۴. نقش رابطه سببیت در مسئولیت مدنی ید امانی

۴.۱. از دیدگاه فقه

اگرچه فقها به دسته‌بندی قواعد به گونه مرسوم امروزی نپرداخته‌اند و عموماً عبارت یا عنوان رابطه سببیت را به کار نمی‌برند ولی در ترکیب ادبی به کار رفته در نصوص فقهی از قاعده شرط و جزای شرط استنباط لزوم این رابطه انکارناپذیر است. درباره رفتار شخص امین و نتایج حاصل از آن، بیشترین تمرکز نظریات را می‌توان در ابواب امانات مانند ودیعه، عاریه و اجاره ملاحظه کرد. برای مثال آنجا که شخصی حیوانی را عاریه می‌گیرد، اگر چه به نحو مشروع و با اذن مالک تسلیم وی شده و در اصطلاح، ید او، ید امانی است لیکن خودداری از حفاظت‌های متعارف و لازم یا امتناع از تأمین مؤونه حیوان (تفریط) چنانچه منجر به هلاکت و حتی عیب در حیوان گردد موجب ضمان است. (الحسینی العاملی، ۱۴۱۲: ۲۹۹ و حلی ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۶۲ و ۴۶۳ و شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸۷)

این حکم اختصاص به مورد عاریه یا اجاره جاندار ندارد، بلکه در مواردی هم که غیر جاندار مانند مسکن به اجاره یا عاریه در تصرف مستأجر یا مستعیر باشد انهدام یا احتراق ناشی از تفریط مستأجر یا مستعیر رابطه حقوقی فی‌مابین را برطرف نمی‌کند، لذا در خصوص اجاره نه تنها پرداخت مال الاجاره را منتفی نمی‌نماید بلکه ضمان عین را نیز متوجه او خواهد نمود (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۴۴ و ۴۴۵). این گونه ضمان محدود به حالت تفریط نیست بلکه تعدی متصرف، مانند وضعیتی که مستودع مورد ودیعه را از حرز خارج کرده و مورد استفاده قرار دهد را نیز شامل می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۷۴ و طوسی، ۱۴۰۷: ۳۸۹ و ۳۹۰)

شرط بودن رابطه سببیت برای ضمان ناشی از تعدی یا تفریط در لابه‌لای نوشته‌های فقهی دیده می‌شود، برای نمونه در مورد ودیعه‌ای که به‌طور مطلق (بدون تصریح به پرداخت یا عدم پرداخت نفقه) نسبت به حیوانی منعقد شده باشد و امین نه به حاکم مراجعه کند و نه در پرداخت نفقه اقدام کند تا اینکه حیوان تلف شود، ضمان وی مسلم دانسته شده است با این قید که تلف ناشی از ترک انفاق باشد؛ در مقابل چنانچه تلف

حین تفریط صورت گرفته باشد اما به گونه‌ای که در موارد مشابه، ترک نفقه موجب تلف نمی‌گردد، تلف مستند و متناسب به ترک انفاق نیست و در نتیجه مستودع ضامن محسوب نمی‌شود. (حلی علامه، ۱۴۱۴: ۱۳۶). در مواردی دیگر، بیان از این هم روشن‌تر است، مثل حالتی که به عنوان شیوه حفظ و نگهداری دستورات خاصی به امین داده می‌شود و عدم مراعات دستورات علت مستقیم تلف مال باشد که موجب ضمان متصرف است، اما چنانچه در حین تخلف امین از شیوه حفظ و نگهداری، تلف به سبب دیگری واقع شود، همانند حالت فرض امثال، ضمانی بر عهده متصرف قرار داده نشده است. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۲: ۲۸۰). بنابراین مجرد مخالفت مستودع با دستورات آمر و صدق عنوان تعدی یا تفریط، به تنهای موجب ضمان نیست بلکه برای ثبوت آن وجود رابطه سببیت لازم است.

به عقیده برخی از فقها در صدور دستور شیوه نگهداری مال که توسط مالک یا مودع صادر می‌شود، خصوصیتی وجود ندارد؛ در صورت سکوت هم رفع اسباب و علل تلف از تکالیف مستودع است و ترک آن و حصول فساد در نتیجه آن ترک، ضمان آور خواهد بود (حلی علامه، ۱۴۱۴: ۱۸۷)

همین دیدگاه که مانند نظریه صاحب مجمع الفائدة و البرهان، از نظریات علامه حلی در تذکره برآمده است، در جای دیگری هم مطرح شده که به دلیل اهمیت عیناً نقل می‌شود:

«و قال فی التذکره: یجب علی المستودع اعتماد ما امره المالك فی کیفیة الحفظ، فاذا امره بالحفظ علی وجه مخصوص فعدل عنه الی وجه آخر و تلفت الودیعه، فان كان التلف بسبب الجهة المعدول الیها ضمن و كانت المخالفه تقصیراً، ولو حصل التلف بسبب آخر فلا ضمان؛ و هذا يدل علی ان مجرد المخالفه لیست سبباً للضمان، بل هی مع التلف بسببیتها» (الحسینی العاملی، ۱۴۱۲: ۲۱۹)

از دیدگاه علامه حلی، ضمان شخص متعدی متکی بر اجماع است (حلبی، ۱۴۱۷: ۲۸۳) و در صورت وجود رابطه سببیت توجهی به وجود قصد مرتکب نمی‌شود؛ علم و جهل وی نسبت به اینکه رفتار وی تعدی یا تفریط محسوب می‌شود یا خیر، مؤثر نیست و علم متعدی به تعلق مال به دیگری ضرورت ندارد. (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۴۸ تا ۴۵۰)

در این راستا، مرحوم سید سعید حکیم بیان می‌کند که قول مشهور این است که تعدی یا تفریط در امانات موجب مسئولیت در قبال زیان وارده و تلف است اگرچه تلف و ضرر مستند به تعدی یا تفریط نباشد؛ و این مثال را مطرح می‌کند که اگر شخصی حیوانی را کرایه نماید و به سوی مقصدی که به اقتضای امانت اذن ندارد، سوار شود و از این جهت ضرری به آن نرسد ولی پس از آن، به سببی که ضمان آور نیست تلف شود، به عهده آن شخص متعدی و مفرط است؛ و همین‌طور هنگامی که حیوان را نبندد و آن حیوان رها و سپس مریض شود، و مثال‌های دیگر که در تمام این موارد، مشهور فقها تعدی یا تفریط را باعث خروج از عنوان امانت و ملحق به حکم غضب می‌دانند. آنگاه اعتقاد خود را چنین اظهار می‌کند که ظاهر این است که ضمان مختص موردی است که تلف یا هلاک مستند به تعدی یا تفریط باشد؛ و حکم غضب در آن جاری نمی‌شود مگر هنگامی که وضع ید بر آن عدوانی باشد مانند اینکه مدت اجاره به پایان برسد یا اجاره باطل شود یا به علت خیار فسخ شود، سپس عین نزد مستأجر بدون رضای مالک باقی بماند در حالی که قدرت تسلیم برای مستأجر وجود دارد. (حکیم، ۱۴۲۱: ۱۳۸) صاحب جامع المدارک نیز مسئول دانستن امین در حال تعدی یا تفریط را بدون اینکه استناد تلف به تعدی یا تفریط اثبات شود، دارای اشکال می‌داند و از قولی دفاع می‌کنند که سببیت را لازم می‌داند. (خوانساری، ۱۳۶۷: ۴۶۳) مقصود از استناد به قول این دسته از فقها این است که نظریه مشهور مخالفان مهمی دارد و نظریه مخالف مشهور با اصول حقوقی و فقهی سازگارتر است. نقل عبارت جامع المدارک نحوه استدلال را به خوبی تبیین می‌کند. در این کتاب آمده است که: «لکن یقع الاشکال فیما هو المعروف من الضمان بمجرد التعدی او التفریط و لو لم یکن التلف مستندا الی التعدی و التفریط کما لو وضع الرهن فی محل لایجوز وضعه فیه ثم رده الی محلّه فتلف. وجه الاشکال ان عقد الرهانه باق و کذلک مثل عقد الودیعه و الوکاله و مقتضی العقد کون المرتهن و المستودع و الوکیل امانة علی المشهور. (خوانساری، ۱۳۶۷: ۴۳۶)

۴.۲. از دیدگاه حقوق

نویسندگان حقوقی برای تحقق مسئولیت مدنی به مفهوم عام وجود سه رکن را ضروری می‌دانند: ورود زیان، فعل زیان بار و رابطه سببیت بین ضرر و فعل ناروای زیان بار. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۴۹ و داراب پور، ۱۳۸۷: ۹۵ و ۹۶) بدین ترتیب باید گفت بدون اثبات رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان بار دعوی خسارت مردود است.

این قاعده در جایی که شخص مسئولیت رفتار دیگران را به عهد داشته باشد نیز لازم الاجرا خواهد بود (داراب پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷). احراز این رابطه در جایی است که شخص پیش از انجام فعل زیان بار از طریق دیگری مانند قاعده علی‌الید ضامن نشده باشد (طاهری، ۱۴۱۸: ۷۸)، چرا که در غصب جبران خسارت بیش از رابطه سببیت مورد اهتمام قانون گذار است لذا مسئولیت غاصب در نظر قانون یک مسئولیت عینی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۵۴)

در حقوق فرانسه هم که تقصیر را برای محکومیت مقصر بر جبران خسارت لازم می‌دانند صرف اثبات آن کافی نیست بلکه علاوه بر آن، باید رابطه سببیت ادعایی نیز توسط زیان دیده به اثبات برسد؛ با این توضیح که زویه قضایی در مواردی از قبیل اجرای تعهد به نتیجه، «فرض سببیت» را در صورت عدم اجرای قرارداد و ایراد خسارت پذیرفته است (ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۶)

با این حال عبارات نویسندگان حقوقی راه مشهور فقها را پیموده و اغلب در چرایی پیش‌بینی حکم ضمان مستأجر متعدی و مفرط ولو نقص در نتیجه تفریط و تعدی وی حاصل نشده باشد گفته‌اند: «مستأجر امین مالک است و به همین جهت در صورتی که عین مستأجره بدون تعدی و تفریط او تلف شود ضامن نیست ولی هرگاه در نگهداری و حفاظت از عین تعدی یا تفریط کند ید امانی او تبدیل به ضمانی می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۶۲) برخی دیگر معتقدند طبق ماده ۴۹۳ قانون مدنی، مستأجر مادام که نسبت به عین مستأجره مرتکب تعدی یا تفریط نشده است، ضامن نیست، ولی هرگاه تعدی یا تفریط نماید در حکم غاصب و ضامن تلف و نقص عین مستأجره است زیرا از زمان تعدی یا تفریط سمت امانت زایل می‌شود. (امامی، ۱۳۶۲: ۳۷ و شهیدی، ۱۳۸۳: ۹۶ و

۹۷) اما از نوشته برخی نویسندگان چنین استنباط می‌شود که هرگاه ید متصرف از مصادیق ید ضمانی محسوب گردد تلف و نقص سماوی (بدون تقصیر و تعدی یا تفریط) به عهده متصرف است؛ با این حال هرچند لازم نیست که تلف و نقص معلول تعدی یا تفریط متصرف باشد، مستند آن قاعده اتلاف و تسبیب است نه قاعده ضمان ید. «(محقق داماد، ۱۳۷۸: ۹۷). شاید بتوان چنین توضیح داد که از این جهت، قابلیت استناد تلف به شخص متعدی یا مفراط باعث مسئولیت وی است نه اینکه مشمول قاعده ضمان ید قرار گیرد.

۵. تحلیل و جمع‌بندی

خاستگاه شیوه استنباط گروه اول حقوقدانان را نمی‌توان جدای از دیدگاه‌های فقهی دانست زیرا در بین فقها هم هستند کسانی که مطلقاً ید مستأجر را در صورت عدم تعدی یا تفریط امانی و در صورت وقوع تعدی یا تفریط مقتضی ضمان ذکر کرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۴: ۲۱۶)

چنانچه پذیرفته شود که تعدی یا تفریط یک عنوان مستقل برای مسئولیت عینی بدون نیاز به رابطه سببیت است، در برخی موارد نتایجی به بار می‌آورد که با اصول کلی حقوقی و عدالت مغایرت دارد. اگر در اثنای تعدی یا تفریط مستأجر، زلزله‌ای رخ دهد و باعث تخریب بسیاری از منازل از جمله منزل مورد اجاره شود، نمی‌توان گفت مسئولیت جبران خسارت وارده به سبب زلزله به عهده مستأجر است و او باید قیمت ملک را به موجر بپردازد؛ اما اگر این تفریط و عدم مواظبت باعث سستی و تخریب منزل در اثر زلزله شود، باید آن را منتسب و مستند به فعل یا ترک فعل مستأجر متعدی و مفراط دانست. برخی نویسندگان حقوق مدنی (حائری شاه باغ، ۱۳۷۹: ۵۵۳ و امامی، ۱۳۶۳: ۱۶۸ و عدل، ۱۳۷۳: ۳۱۵) با تکیه به ظاهر ماده ۴۹۳ قانون مدنی معتقدند که مستأجر مسئول است هرچند خسارت در نتیجه تعدی یا تفریط حاصل نشده باشد.

به عقیده نگارنده، آنچه از ماده ۴۹۳ قانون مدنی و مواد مشابه مستفاد است، چیزی بیش از این نیست که مستأجر ضامن کلیه خساراتی است که تعدی یا تفریط او زمینه‌ساز ایجاد آن است - هرچند مستقیماً از تعدی یا تفریط ناشی نشده باشد- و به همین دلیل

می‌توان ضرر به بار آمده را منتسب به عمل مستأجر دانست. ذیل ماده ۴۹۳ نص صریح نیست و عبارت «... هرچند در نتیجه تعدی یا تفریط حاصل نشده باشد.» می‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که نافی رابطه سببیت نباشد. این نحوه استنباط بر سه مقدمه استوار است: اول اینکه پذیرفته شود نتیجه آن منطقی‌تر و معقول‌تر است؛ دوم اینکه مغایرتی با مبانی فقهی و حقوقی ندارد چرا که در بین فقها و حقوق‌دانان کسانی هستند که رابطه سببیت را برای ضمان تعدی یا تفریط لازم می‌دانند؛ و سوم اینکه تعبیر ذیل ماده ۴۹۳ تاب تفسیر متناسب با این نظریه را دارد. در این دیدگاه، آنچه باعث ضمان می‌شود رابطه استناد عرفی خسارت به تعدی یا تفریط است. کشف این رابطه در همه موارد نیاز به رابطه علیت بین ضرر و تعدی یا تفریط ندارد مانند موردی که متصرف وظیفه حفاظت را عهده دار است ولی شخص ثالث خسارت را وارد می‌سازد؛ در این گونه موارد به دلیل کوتاهی در حفاظت، ضمان بر متصرف بار می‌شود هرچند علت خسارت تفریط متصرف نیست. بدین ترتیب مسئولیت وی با توجه به استناد عرفی و وجود رابطه سببیت توجیه می‌شود. اما در مقابل مسئولیت تخریب ساختمان در زمان تعدی یا تفریط متصرف، به واسطه وقوع زلزله، به هیچ صورت منتسب به عمل متصرف نیست و رابطه استناد عرفی در اینجا احراز نمی‌گردد، لذا نباید مسئولیت آن را بر متصرف تحمیل کرد. عبارت ذیل ماده ۴۹۳ قانون مدنی که مقرر داشته: «... مستأجر ضامن است هرچند خسارت در نتیجه تعدی و تفریط ایجاد نشده باشد» را می‌توان بدین گونه تفسیر کرد تا نتیجه حاصله با اصول حقوقی و عدالت سازگار درآید. با این حال نباید از این نکته غفلت کرد که عبارت ماده ۴۹۳ و دیگر مواد مشابه، با توجه به آنچه گفته شد، قابل نقد است؛ این عبارت ظاهری دارد که تمایل حقوقدانان به نظریه ضمان تعدی یا تفریط، بدون نیاز به رابطه سببیت را موجب شده است هرچند بعید به نظر می‌رسد که این حقوقدانان به لوازم و توالی غیرمنصفانه آن در همه موارد ملتزم بمانند. به علاوه نباید از نظر دور داشت که مسئولیت عینی و استثنای بر رابطه سببیت خلاف اصل بوده و جز در مورد غصب پذیرفته نشده است. چنانچه قانون‌گذار با اصلاح مواد ۴۹۳ و ۱۲۳۸ و نظایر آن به این اختلاف خاتمه دهد و مسئولیت در این گونه موارد را متوقف بر اثبات رابطه استناد اعلام کند، راه صواب پیموده است. با این همه نمی‌توان منتظر اصلاح قانون ماند؛ در وضعیت کنونی

رویه قضایی با اتکا به تفسیر و تحلیلی که از مواد مزبور ارائه شد، می‌تواند این نقیصه را جبران کند و در موارد تعدی یا تفریط، وجود رکن سببیت و احراز رابطه استناد عرفی را جستجو نماید و ملاک حکم به مسئولیت قرار دهد.

۶. نتیجه‌گیری

استنباط شایع در مورد ضمان مستأجر در صورت تعدی یا تفریط، بر این قرار گرفته است که مستأجر ضامن تلف و نقص است. این برداشت از مقررات قانون مدنی در موادی چون ۴۹۳ و ۱۲۳۸ به پشتوانه اقوال فقیهان و حقوقدانان صاحب نامی است که توانسته است شهرت این تفسیر را باعث گردد. اما در مقابل نظریه دیگری قرار دارد که تعدی یا تفریط متصرف امین را برای ضامن دانستن وی کافی ندانسته و مسئولیت را منوط به وجود رابطه سببیت می‌داند. نگارنده این مقاله نظر دوم را مرجح دانسته و چنین نتیجه گرفته است که هرچند مستأجر و امثال وی از حدود اذن تعدی نموده ولی ضامن دانستن وی در برابر هرگونه نقصانی که به عین وارد آید، نه تنها با اصول حقوقی و استثنایی بودن مسئولیت عینی و مأذون بودن وی مغایرت دارد، به دور از عدل و انصاف نیز است و اصول حقوقی و عدالت اقتضا می‌کند که وی را در صورتی ضامن بدانیم که نقصان و تلف به دلیل تعدی یا تفریط متصرف و به استناد آن ایجاد شده باشد، نه اینکه به صرف تعدی یا تفریط وی را همانند غاصب مطلقاً مسئول بشناسیم.

منابع

الف. فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۶۳)، *حقوق مدنی جلد ۲*، تهران: انتشارات اسلامیة
 حائری شاه باغ، سید علی (۱۳۷۹)، *شرح قانون مدنی*، تهران: گنج دانش
 ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، *اصول مسئولیت مدنی*، مجید ادیب، تهران، نشر میزان
 داراب پور، مهرباب (۱۳۸۷)، *مسئولیت‌های خارج از قرارداد*، تهران: مجمع علمی فرهنگی
 مجلد

شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، عقود معین حقوق مدنی ۶، تهران: مجد طاهری، حبیب‌اله (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، قزوین: بحرالعلوم کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، حقوق مدنی دوره عقود معین، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی عقود معین، جلد ۴، تهران: انتشارات مدرس کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷)، قواعد فقه، بخش مدنی ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی

ب. عربی

الحسینی العاملی، سید محمدجواد (۱۴۱۲)، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، محمدباقر خالصی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

حکیم، سید محمد سعید (۱۴۲۱)، منهاج الصالحین، جلد ۲، بیروت: دارالصفوة حلبی، ابن زهره حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام

حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه؛ جلد ۳، ابراهیم بهادری، قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام

حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه جلد ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴)، تذکره الفقها، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام

- حلی، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- حلی جمال الدين، احمد ابن محمد اسدی (۱۴۰۷)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، جلد ۱، مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- خوانساری، سید احمد (۱۳۶۷)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، جلد ۳، قم: اسماعیلیان
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۶)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد ۴، سید محمد کلانتر، بیروت: دار العالم الاسلامی
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، جلد ۳، علی خراسانی و سایرین، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوى، بیروت: دارالکتاب العربی
- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: اسماعیلیان
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۲)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان جلد ۱۰، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
- محقق حلی (۱۴۰۳)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۲، بیروت: دار الاضواء
- مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۲۷، تهران: دار الکتاب الاسلامیه